



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۰

جمعه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۱۳ مه ۲۰۱۶

نامه جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر به جعفرعظیم زاده و اسماعیل عبدی

به همبندان عزیزمان جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی دوستان! همبندان عزیز!

ما زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر، به اعتراض شما و بیانیه ای که به مناسبت اول مه منتشر کردید، ارج میگذاریم و از آن پشتیبانی میکنیم. شما برآستی از حق ما زندانیان سیاسی و حق ما کارگران و ما مردم دفاع میکنید. اعتراض شما به فقر، دستمزدها و حقوقهای زیر خط فقر و بی تامینی، اعتراض شما به امنیتی کردن هر اعتراضی علیه این وضعیت تحت عنوان "اخلال در امنیت ملی" و برابر شدن آن با زندان، اعتراض همه ما کارگران و ما مردم است. از جمله ما زندانیان سیاسی که امضا کننده این نامه هستیم تحت اتهاماتی از همین دست حکم زندان گرفته و بهترین سالهای زندگی مان را داریم در زندان میگذرانیم.

صفحه ۳



تعدادی از اعضای کمیته مرکزی در پلنوم چهل و پنج

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱

سه نمونه از پیشروی جنبش کارگری

اصغر کریمی

کسین ۵۰۰۰ نفری کارکنان سازمان بهزیستی در یکی از شبکه های اجتماعی در اعتراض به سطح پایین دستمزدها نمونه دیگری از شکوفایی جنبش کارگری در ایران است. درست یک هفته قبل شاهد فراخوان کارگران شرکت آلومینیوم المهدی هرمز آل به مردم شهر بودیم در مقابل استانداری هرمزگان با حضور خانواده های کارگران و تعداد زیادی از مردم. مورد سوم در روزهای گذشته موج حمایت از کارگران و معلمان زندانی توسط مراکز و جمع های مختلف کارگران و بازنشستگان، زنان خانه دار و غیره است. اینها علامت فضای جدیدی در جنبش کارگری است.

صفحه ۳

یادداشت های هفته

عمید تقوایی

* دوقطبی جامعه ایران

* از بد حجابی تا بی دینی

* غلط است دیگر!

صفحه ۶

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۴

از ما میپرسند؟

تعداد نه چندان کمی از مردم از جمله کارگر و زحمتکش مذهبی هستند و یا کم و بیش اعتقادات مذهبی بر آنها حاکم است. علیرغم این فکر میکنید کمونیسم میتواند نفوذ توده ای بدست آورد و به پیروزی برسد؟

صفحه ۵

دو اتفاق مهم و بیسابقه

شهلا دانشفر

صفحه ۷

قطعنامه درباره

شکل دادن به فضای سیاسی و حرکت اجتماعی حول مساله حکومت و قدرت سیاسی

مصوب پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

قرار مصوب پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران

درمورد فعالیت ویژه حزب درمورد افغانستان

صفحه ۸

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۸

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۷ و ۸ مه ۲۰۱۶ (۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب برگزار شد. چند نفر از اعضای سازمان جوانان حزب نیز در پلنوم حضور داشتند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد منصورحکمت عزیز شروع شد و بعد از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد. در این پلنوم قطعنامه ای در مورد شکل دادن به فضای سیاسی و حرکت اجتماعی حول مساله حکومت و قدرت سیاسی و قراری در مورد ضرورت فعالیت ویژه حزب در مورد افغانستان تصویب شد. قطعنامه را حمید تقوایی و قرار را کیوان جاوید معرفی کردند که پس از اصلاحاتی به تصویب پلنوم رسید.

حمید تقوایی لیبر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود شرایط سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داد. او گفت اگر رسانه ها و سایتهای خبری را ملاک قرار بدیم چنین به نظر میرسد که مسائلی مانند پیامدهای برجام، رابطه جمهوری اسلامی با غرب، انتخابات و اختلافات بین جناحهای حکومتی مهمترین تحولات سیاسی در شش ماه گذشته بوده است ولی این تمام واقعیت نیست. نیروی محرکه این تحولات مبارزات و اعتراضات وسیع مردم در عرصه های مختلف است که گرچه در ظاهر و قالب اعتراضات صنفی و مدنی و مطالباتی بروز پیدا میکنند اما مضمون و جوهر واقعی آن بجالش کشیدن کل حکومت و نظام جمهوری اسلامی است. او گفت در این شرایط حزب باید به سخنگو و نماینده و نماد جنبش علیه وضع موجود و علیه کلیت نظام

جمهوری اسلامی تبدیل شود و اسناد عرضه شده به پلنوم که ناظر برسیاستهای عملی حزب در این دوره است این هدف را دنبال میکند.

در بحث گزارش که توسط اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب و تعدادی از مسئولین ارگان ها و عرصه های مختلف فعالیت حزب ارائه شد، فعالیت های متنوع حزب در داخل و خارج کشور از جمله در میان کارگران، معلمان و بازنشستگان، مبارزه علیه اسلام سیاسی، تبلیغات شفاهی و کتبی حزب، پیشرفت حزب در شبکه ها و مدیای اجتماعی، وضعیت حزب در خارج کشور، وضعیت مالی حزب و ضرورت تمرکز ویژه بر سازمان حزب در سطوح مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گسترش تماس با حزب و سازمان جوانان، تحکیم سازمان حزب و امکانات بیشتر برای کار میدانی در داخل کشور، تحکیم موقعیت حزب در میان کارگران و معلمان، بهبود فعالیت در خارج کشور و روند رو به رشد عضوگیری در این عرصه، فعالیت گسترده در عرصه زندانیان سیاسی، علیه اعدام و پناهندگی و علیه اسلام سیاسی از جمله نکاتی بود که مورد اشاره قرار گرفت و ارزیابی عمومی این بود که حزب دوره موفق و خوبی را پشت سر گذاشته و از آمادگی بیشتری برای تداوم فعالیت در همه زمینه ها برخوردار شده است.

در مبحث گزارش رئیس دفترسیاسی، بهرام سروش ضمن اشاره به دو فونکسیون اصلی دفترسیاسی، یعنی سیاست گذاری جاری و نظارت بر رهبری سیاسی و اجرائی حزب، گزارشی از عملکرد دفترسیاسی در هر دو عرصه ارائه داد. در عرصه سیاست گذاری جاری، دفترسیاسی در این دوره به موضوعات مهمی، از جمله اوضاع سیاسی خاورمیانه در متن جنگ در سوریه، نحوه برخورد به

دخالت نظامی دول غربی و روسیه در منطقه، پست مدرنیسم، اسلام سیاسی و پدیده داعش، اوضاع کردستان عراق و ترکیه، کانال جدید و نقش آن در مبارزه برای قدرت سیاسی، جایگاه مقابله با جنبش ملی-اسلامی، عرصه ها، شیوه و مکانیسم های فعالیت حزبی در ایران و بازنگری به تعریف و مشخصات حزب سیاسی پرداخت. در زمینه نظارت، دفترسیاسی به لیست پیشنهادی لیبر حزب برای هیئت اجرائی این دوره رای اعتماد داد. همچنین، دفترسیاسی طی دو نشست دو گزارش مفصل هیئت اجرائی به دفتر سیاسی از نقشه عمل ها و فعالیت هیئت اجرائی در این دوره را مورد بررسی قرار داد، و هر دو گزارش را مثبت ارزیابی کرد. در این مباحث و نشست ها علاوه بر اعضای دفتر سیاسی، لیبر حزب و اعضای کمیته مرکزی و مشاورین کمیته مرکزی شرکت داشتند.

دستور دیگر این پلنوم بحث حول مساله پناهندگی در غرب و سیاست حزب در قبال آن بود که توسط عبدالله اسدی و اصغر کریمی معرفی شد. موج پناهندگی در سال گذشته از یکطرف جنبشی انسانی را در دفاع از آنها شکل داده و از طرف دیگر با سر بلند کردن گرایش راسیستی علیه آنها مواجه هستیم. در این مبحث بر دخالت

فعال حزب در این عرصه، حضور فعال در مبارزه بر سر حق پناهندگی، مقابله با راسیسم و سیاست های ضد پناهندگی دولت ها، بهبود امر سازماندهی در این زمینه و حضور فعال تر در فعالیت های فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تاکید شد. همچنین تاکید شد که باید با بسیج پناهندگان علیه جریانات اسلامی که در برخی کمپ ها، مشخصا در آلمان، قصد دارند فضای اسلامی حاکم کنند، شدت مقابله کرد.

در جوار پلنوم سمیناری در مورد اسلام سیاسی برگزار شد که معرف آن مینا احدی بود که در مورد یک دوره مبارزه فعالانه چهره های سرشناس حزبی بر علیه جنبش اسلامی و نفوذ جریانات اسلامی در غرب صحبت کرد. مینا احدی تاکید کرد که در دوره جدیدی هستیم که با توجه به رشد جریانات دست راستی و ضد خارجی که منتقد اسلام نیز هستند، باید پرچم نقد به اسلام و مبارزه با جنبش اسلامی در غرب از یکطرف و مقابله با جریانات دست راستی از طرف دیگر را محکم تر از هر زمان در دست گرفت. این اوضاع نقش فعالانه تر و وظایف جدیدی در دستور ما میگذارد که باید به آن پرداخت. حاضرین در سمینار نیز بر گسترش فعالیت های حزب در مقابله با جریانات اسلامی در

غرب و پس راندن این جریانات در کشورهای مختلف تاکید کردند. مباحث مختلف پلنوم با دخالت فعال حاضرین در پلنوم همراه بود. در مبحث انتخابات حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان لیبر حزب انتخاب شد و سپس ۲۳ نفر بعنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند. که عبارتند از: کیوان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عیبه اسدی، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، نسرین رضانعلی، بهرام سروش، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد، اصغر کریمی، عبدل گلپریان، شیوا محبوبی، نسان نودینیان و کاظم نیکخواه.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی و در فضایی پرشور با همراهی و همدلی برای ایفای نقش هر چه فعالتر در عرصه های مبارزاتی در داخل و خارج کشور پایان رسید. در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد بهرام سروش به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

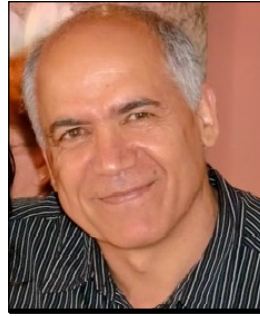
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۱۱ مه
۲۰۱۶



از صفحه ۱

سه نمونه از پیشروی جنبش کارگری

اصغر کریمی



فراخوان کارگران اعتصابی به خانواده ها و مردم شهر اقدامی بسیار مهم در جنبش کارگری به حساب میاید. حضور خانواده ها در تجمعات کارگری در دو سال گذشته سیری صعودی داشته و دورنمای روشن تری مقابل کارگران گذاشته است. اما کارگران هرمزگان قدم مهم دیگری به جلو برداشتند و مردم شهر را هم به حمایت از خود فراخواندند. اهمیت این اقدام فقط تاثیرات کمی آن و شلوغ تر شدن تجمع آنها نیست. کیفیت تازه ای در مبارزه است. این اقدام پیام مهمی به مردم، به سایر مراکز کارگری و به کارفرما و دولت دارد: مردم دردمند شهر را در مقابل شما و ارگان های سرکوبتان بسیج میکنیم و به میدان میاوریم. قدرت کارگران نه فقط در عمل متحده و اعتصاب و تجمع است بلکه همچنین در توانایی آنها در همراه کردن بقیه مردم، جوانان بیکار و عصبانی از اوضاع، بازنشستگانی که زیر خط فقر زندگی میکنند، هزاران کارگری که در هر شهر و شهرکی بدون بیمه بیکاری و در فقری مطلق زندگی میکنند، زنانی که به هزار دلیل دل خونی از اوضاع دارند، اینها نیروی طبقه کارگر هستند و اگر طبقه کارگر کل این نیرو را به میدان نیاورد و پشت سر خود بسیج نکند توان مقابله پیروزمند با طیف مفتخوری که به ممد نیروی سرکوب و زندان مقابل کارگران می ایستد را نخواهد داشت. این تاکتیک و سیاست در عین حال تماما در مقابل شوراها اسلامی و خط سازش با حکومت و طیف اصلاح طلب و... است. این یک اقدام مهم طبقاتی با دورنمای روشن است. خواست افزایش دستمزد بالای خط فقر و ۳ و نیم میلیون تومان که توسط تشکل ها و جمع های کارگری و معلمان مطرح شده

است، خواست هوشمندانه ای است که ظرفیت جلب همبستگی افشار مختلف جامعه را دارد. کارگر، معلم و پرستار، بازنشسته و جوان جویای کار، کارگران بیکار و زنان خانه دار متعلق به طبقه کارگر همه در این خواست شریک اند. تحصیل رایگان که توسط معلمان مطرح شد و همینطور خواست هایی که در بیانیه های کارگران در اول مه در قطعنامه هایشان آمده، برای اتحاد و همبستگی عمومی علیه حکومت تعیین کننده است. خواست طب رایگان نیز بسیار مهم است که بویژه توسط پرستاران و پرسنل بیمارستانها به اهتزاز درآید تا حمایت عمومی را برانگیزد.

استفاده روزافزون کارگران از شبکه های اجتماعی نیز وجه دیگری از پیشروی کارگران است. این ابزار است که کارگران را قادر میکند حرفشان را به گوش مردم شهر برسانند و آنها را در مبارزه علیه مفتخوران به خدمت بگیرند. ابزاری برای سازماندهی خود و سایر کارگران در نقاط مختلف کشور. با این ابزار بود که کارگران پتروشیمی ها و صنایع فولاد و معادن تجمعات همزمان از نقاط مختلف سازمان دادند. در همین روزها شاهد ابتکار جالبی توسط جوانان سنندج بودیم که مردم شهر را به کتابخوانی در یک روز معین فراخوان دادند تا از این طریق ضمن سازماندهی یک عمل جمعی، رابطه خود را با جامعه برای فراخوان های بعدی تحکیم کنند. پیشقراولان استفاده از مدیای اجتماعی برای سازماندهی مبارزات سراسری و قهرتمند معلمان بودند. اکنون کارگران مراکز صنعتی هم دارند این ابزار را بیش از پیش به خدمت میگیرند تا ضعف خود در تشکل های توده ای، که

از صفحه ۱

نامه جمعی از زندانیان سیاسی
رجایی شهر

به جعفرعظیم زاده و اسماعیل عبدی

خوشحالیم که تشکلهای مختلف کارگری و معلمان و بسیاری از همکارانمان به این اعتراض پیوسته اند. این حمایت ها نشان میدهد که ما بسیاریم. اما اعتصاب غذای شما که از دهم اردیبهشت وارد شد، اید، بشدت ما رانگران وضعیت جسمی و سلامتی شما کرده است. ما وضعیت شما را متوجه هستیم. چه بسا بارها خودمان بخاطر اینکه صدایمان را به بیرون برسانیم ناگزیر شده ایم، با دست بردن به اعتصاب غذا فریادمان را بلند کنیم. اما نیرویی که همیشه به ما قدرت داده است، اتحاد و همبستگی هم طبقه ای هایمان و مردم معترض با خواستههای برحق ما بوده است.

دوستان اعتراض شما شنیده شد. صدای آن نه فقط در ایران بلکه در آنسوی مرزها انعکاس یافت. با اتکا به این حمایت ها و پشتیبانی ها از شما میخواهیم که هر چه زودتر به اعتصاب غذایتان خاتمه دهید. بگذارید تا در کنار یکدیگر و با نیرویی قویتر خواستههایمان را پیگیر شویم و به جلو برویم. از

سهیلا بابادی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، زانبار مرادی، رمضان احمد کمال، احمد کریمی، مهدی عظیمی، ابراهیم فیروزی، یاسر حمیدی شهرابی، حسین کاکاوند، حمید نوروزی، حسین غلامی آذر

تمامی احکام زندان تحت عنوان "اخلال در امنیت ملی" باید لغو شود

جمعی از زندانیان سیاسی زندانی رجایی شهر

برگرفته از صفحه پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده

۲۱ اردیبهشت ۹۵، ۱۰ مه ۲۰۱۶

انترناسیونال

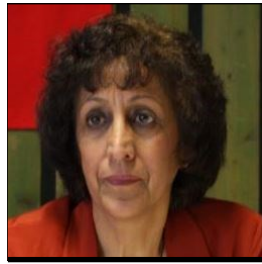
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: سوسن صابری
مسئول فنی: سهند مطلقای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



موج گسترده حمایت از بیابیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و گسترش دامنه کارزار برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، اعتراضات گسترده کارگری در هفته ای که گذشت و در راس آنها دو اتفاق مهم در آلومنیوم مهدی و تجمع اعتراضی کارگران رستوران خلیج فارس برای پیگیری خواسته‌هایشان و همزمان حمایت آنها از خواست های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی دو تن از رهبران کارگری در زندان، از جمله اتفاقات مهم در هفته گذشته است. نگاهی به این اتفاقات تصویری از فضای اعتراضی در جنبش کارگری میدهد. سرتیترهای خیره‌اش را در زیر می‌خوانید:

موج گسترده حمایت از بیابیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی

حمایت‌ها از بیابیه مشترک دو زندانی، جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری و اسماعیل عبدی از رهبران معلمان معترض ادامه دارد.

بیابیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی بطور واقعی پلاتفرمی برای متحد شدن کارگران، معلمان و بخش عظیمی از جامعه علیه استثمار و بردگی کاری، علیه ریاضت اقتصادی و تعرضات هر روزه به زندگی و معیشت خود و علیه سرکوبی است. خواست مشخص این بیابیه خارج کردن اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده های مفتوح کارگران و معلمان معترض و برداشتن اینگونه اتهامات جعلی و ساختگی از پرونده های خود و دیگر فعالین کارگری و معلمان زندانی است. و معنای واقعی این خواست، آزادی حق تشکل، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و آزادیهای اجتماعی است.

بیابیه جعفر عظیم زاده و

اسماعیل عبدی بطور واقعی سرفصل جدیدی از اعتراضات کارگری و معلمان است. خواسته‌های این بیابیه امروز به جنبشی تبدیل شده است که هر روز قویتر به جلو میرود. وسیعاً به این حرکت پیوندیم و صدای اعتراض آنان در سطح جهان باشیم.

جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در بیابیه خود اعلام کرده بودند که برای تحقق خواست خود از ۱۰ اردیبهشت وارد اعتصاب غذای نامحدود خواهند شد و اکنون دو هفته از اعتصاب آنان میگذرد. و در حالیکه با موجی از حمایت از خواسته‌های آنان روبرویم، نگرانی از وضعیت جسمانی این عزیزان هر روز بیشتر میشود. از همین رو جمعی از زندانیان سیاسی از زندان رجایی شهر به اسامی سهیل بابادی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، زانبار مرادی، رمضان احمد کمال، احمد کریمی، مهدی عظیمی، ابراهیم فیروزی، یاسر حمیدی شهرابی، حسین کاکازند، حمید نوروزی، حسین غلامی آذر، ضمن اعلام حمایت مجددشان از آنان، خواستار پایان

دادن به اعتصاب غذایشان شده اند. همچنین سندیکای نقاشان استان البرز با اعلام حمایت خود از خواسته‌ها و اعتراضات جعفر عظیم زاده، محمود بهشتی و اسماعیل عبدی، از آنان خواسته است که به اعتصاب غذایشان پایان دهند. در بخشی از بیابیه زندانیان سیاسی رجایی شهر چنین آمده است: "دوستان اعتراض شما شنیده شد. صدای آن نه فقط در ایران بلکه در آنسوی مرزها انعکاس یافت. با اتکا به این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها از شما می‌خواهیم که هر چه زودتر به اعتصاب غذایان خاتمه دهید. بگذارید تا در کنار یکدیگر و با نیرویی قویتر خواسته‌هایمان را پیگیر شویم و به جلو برویم.

در همین رابطه در بخشی از

کنون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، اعضای اتحادیه آزاد کارگران شهرستان سنندج، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، فعالین صنفی معلمان خراسان جنوبی، فعالان صنفی فرهنگیان خراسان رضوی، کانون صنفی فرهنگیان گیلان، جمعی از فرهنگیان استان زنجان، جمعی از فعالان فرهنگی شهرستان بروجرد، کانون صنفی فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری، کانون صنفی معلمان البرز

- حمایت کارگران از مراکز مختلف کارگری:

اعلام حمایت کارگران رستوران خلیج فارس، کارگران پتروشیمی بندر امام، کارگران قالبهای صنعتی سایا و قالبهای صنعتی ایران خودرو، دانشجویان دانشگاه گهردشت کرج، جمعی از کارگران فصلی و ساختمانی شهر جدید اندیشه (کرج)، کارگران شرکت "ونک پارک" مهرشهر کرج، کارگران گچکار ساختمانی ایرانی در کشور عراق، کارگران جوشکار لوله های گاز خانگی سنندج، کارگران اخراجی فولاد زاگرس (ذوب آهن کردستان)، جمعی از کارگران اخراجی پریس سنندج، جمعی از کارگران بازنشسته صنایع فلزی ایران، کارگران اخراجی نساجی کردستان، جمعی از بازنشستگان تهران، جمعی از پرستاران تهران، جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو سنندج، جمعی از کارگران بازنشسته کیان تابر، جمعی از بازنشستگان (آموزش و پرورش، سازمان تأمین اجتماعی و وزارت نفت)، جمعی از کارگران ساختمانی سنندج، جمعی از کارگران ساختمانی استان البرز، جمعی از زنان کارگر بازنشسته تهران، جمعی از کارگران ساختمانی برج کالج واقع در مینی سیتی تهران، کارگران اخراجی و بازنشسته شرکت

بیابیه سندیکای نقاشان استان البرز چنین آمده است: "وظیفه محوری خود می دانیم که به هر شکل ممکن، با تمام نیرو، صدای شما در بیرون باشیم و از هیچ اقدامی در جهت لغو احکام غیرانسانی علیه شما و همین طور دفاع از خواسته‌های برحق شما (با محوریت خارج شدن اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و دیگر اتهامات از پرونده فعالین کارگری و معلمان زندانی) فروگذار نباشیم. شما یک جنبش را پشت خود دارید، و چه نیروی قابل اتکاتر، تواناتر و خلاق تر از این. از همین روست که باز هم به جد می خواهیم با شکستن اعتصاب خود به نفع جنبش ادامه این مسیر را به حامیان خود در بیرون از زندان واگذار کنید. در همین جا از تمامی تشکلات کارگری، دانشجویی و معلمان و دیگر اقشار درخواست می کنیم که بسته به توان و امکانات خود، متحدانه برای آزادی این زندانیان مبارزه کنند. مسئولیت هرگونه مشکل سلامتی و جانی به عهده دولت و مسئولین زندان است."

ما نیز در نگرانی زندانیان سیاسی رجایی شهر، و کارگران سندیکای نقاشان استان البرز شریکیم و در کنار همه تشکلهای و نیروهایی که حمایت خود را از اعتراض برحق جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام کرده اند، تلاش میکنیم که صدای آنها در سطح جهان باشیم و با اتکا به این حمایت وسیع خواستار پایان دادن به اعتصاب غذایشان هستیم. جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

لیست حمایت های تا کنون از بیابیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در زیر آمده است:

- تشکل های کارگری و کانون های صنفی معلمان: اتحادیه آزاد کارگران ایران،

پرسی ایران گاز و ...
نامه های حمایتی چهره ها و رهبران کارگری و فعالین سیاسی در زندان و بیرون از زندان:

بهنام ابراهیم زاده، پروین محمدی، جوانمیر مرادی، علی اشرفی، هاشم خواستار، صدیق کریمی، ناهید خداجو، حسن مجیدی، رضا بهرامی، محمود صالحی، بهرام عابدینی از جمله چهره های شناخته شده کارگری و معلمان معترض هستند که با بیابیه های پرشور خود در حمایت از خواسته‌های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام کردند که این سرمایه داران هستند که بخاطر تحمیل فقر و فلاکت و نپرداختن باموقع دستمزدها و تبدیل محیط های کار به قتل گاه کارگران و... باید محاکمه شوند و نه کارگران که خواسته‌شان داشتن یک زندگی انسانی است. همچنین ۴۱ زندانی سیاسی و زندانیانی که تحت عنوان جرائم غیر سیاسی در زندان طی بیابیه پرشوری حمایت خود را از خواسته‌های اعتراضی جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام کرده اند. و بالاخره ۱۶۹ نفر از فعالین سیاسی، کارگری و مدنی و ... در کمیته تحت عنوان حمایت از حقوق قانونی آقایان محمود بهشتی، اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده، طی نامه ای خطاب به روحانی، ضمن حمایت از خواسته‌های آنان مینویسند: "بیهی است مسوول به خطر افتادن جان برادرانمان عدم التزام به قانون از سوی مجریان قانون و مسولان قانونی است."

حمایت های جهانی از جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی و کارگران زندان و زندانیان سیاسی:

کارزار برای حمایت از بیابیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهان در جریان است. در زیر لیستی از حمایت ها را در رابطه با این کارزار می‌خوانید:

اتحادیه جهانی اینداستری آل (IndustriALL) [بیش از ۵۰ میلیون عضو]، کنفدراسیون سندیکاهای کارگری اروپا

؟ از ما میپرسند:

تعداد نه چندان کمی از مردم از جمله کارگر و زحمتکش مذهبی هستند و یا کم و بیش اعتقادات مذهبی بر آنها حاکم است. علیرغم این فکر میکنید کمونیسم میتواند نفوذ توده ای بدست آورد و به پیروزی برسد؟

اصغر کریمی: اجازه بدهید ابتدا دو نکته را تاکید کنم. اولاً کمونیسم فی الحال یک جنبش شناخته شده و با نفوذ در ایران است و ثانیاً ضلیمت با مذهب یک نقطه قوت مهم حزب کمونیست کارگری برای تبدیل شدن به یک حزب توده ای قدرتمند در جامعه ایران است نه نقطه ضعف آن.

سی سال قبل فضای جامعه طور دیگری بود. ایران جامعه ای مذهبی نیست و نه تنها مذهبی نیست که یک جنبش قوی ضد مذهبی در جریان است که مدام نیرو به خود جذب میکند و عمیق تر و توده ای تر میشود و جامعه در مقابل یک حکومت مذهبی اسلامی قرار دارد و به درجه ای که حزب کمونیست کارگری بعنوان یک بازیگر سیاسی نقش چشمگیری در جامعه داشته باشد عنصر ضد مذهبی آن خود یک عامل مهم در توده ای شدن آن خواهد بود. در بعد بین المللی نیز با توجه به جنایات بیشمار اسلامی ها در دهه های اخیر و خطرانی که امروز برای غرب ایجاد کرده است، خصلت ضد مذهبی ضد اسلامی حزب کمونیست کارگری یک نقطه قوت مهم آن است.

جنبش های مترقی و کمونیستی است که به این جریان ارتجاعی اجازه فعال مایشایی میدهد. بطور واقعی عواملی که میتواند یک حزب کمونیستی را توده ای کند بسیار تعیین کننده تر و قوی تر از عامل مذهب و یا افکار ارتجاعی دیگر است. جامعه طبقاتی است و طبقات مختلف بر اساس موقعیت متفاوتی که در تولید اجتماعی و سهم خود در تولید دارند روزی هم قرار میگیرند. مروری به تاریخ نیز نشان میدهد که مبارزه و صف بندی های اصلی در جامعه صفت بندی هایی طبقاتی هستند. از شورش برده ها علیه برده داران تا مبارزات دهقانان علیه اشراف زمیندار و انقلاب کبیر فرانسه و سایر جنبش ها و انقلاباتی که در این دوره ها صورت گرفته است تماماً بر اساس یک صفت بندی طبقاتی بوده است. در جامعه سرمایه داری کشمکش اصلی میان کارگر و سرمایه دار است. کارگران کارخانه ای که دست به اعتصاب میزنند از نظر عقاید و باورهای شخصی بسیار متفاوتند. بخشی بی مذهبنند، بخشی سنی یا شیعه و بخشی ممکن است مسیحی یا زرتشتی باشند. اما اینطور نیست که مثلا بخش مسلمان کارگران با کارفرمای مسلمان رویهم میریزند علیه کارگران غیر مسلمان. سالانه هزاران اعتصاب در مراکز کارگری و یا توسط معلمان و پرستاران صورت میگیرد که کشمکشی کاملاً طبقاتی است نه مذهبی. در مقیاس جامعه هم به همین شکل است. امروز بخش اعظم جامعه که بخش اعتقادات اسلامی دارند خود را تماماً در

مقابل حکومت اسلامی و آیت الله های اسلامی میدانند و همزمان خواهان رفاه، برابری و عدالت اند که خواست هایی چپ و کمونیستی است و در تحولات سیاسی عموماً به چپ متمایل هستند تا یک حزب مثلاً اسلامی بورژوازی. باید دید اهداف و برنامه ای که یک حزب سیاسی مطرح میکند تا چه حد با منافع بخشی از جامعه خوانایی دارد. سه شعار محوری بلشویک ها صلح، زمین و آزادی بود که خواست اکثریت جامعه بود و جنبش تحت رهبری آنها موفق به سرنگونی تزار و برقراری حکومت کارگری شد. همه میدانستند که حزب بلشویک و نئین بی مذهبنند و اکثریت مردمی که به آنها پیوستند اعتقادات مذهبی داشتند. برای توده وسیع مردم بی مذهبی بلشویک ها مساله و مشغله نبود و به فاکتور مهمی در انتخاب سیاسی مردم تبدیل نشد. در انقلاب مشروطه، که جامعه صلب نسبت به این دوره مذهبی تر بود، شیخ فضل الله نوری که شناخته شده ترین و مهمترین آیت الله وقت بود منفورترین آدم در این کشور به حساب میامد چرا که با مردم علیه حکومت قاجار همراه نبود، همینطور که الان آیت الله ها منفورترین بخش جامعه اند. میخوام بگویم که مردم در انتخاب سیاسی و زندگی روزمره شان فاکتورهای زمینی تر و قابل لمس تری در مقایسه با مذهب را مد نظر قرار میدهند. حزب کمونیست کارگری برنامه ای دارد که اکثریت مردم قلباً خواهان عملی شدن فوری آنها هستند. از مطالبات

اقتصادی فوری مانند طب رایگان و تحصیل رایگان تا افزایش دستمزد و بیمه بیکاری و بیمه های بازنشستگی و بطور کلی نابودی استثمار و نابرابری تا آزادی های سیاسی و لغو مجازات اعدام یا برابری زن و مرد یا سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت و... اینها خواست و آرزوی اکثریت مردم است. این اکثریت بخش بی مذهبنند و بخش اعتقادات مذهبی اسلامی یا غیر اسلامی دارند. بر این اساس بقول منصور حکمت زیر پوست هر انسان منصفی را کند و کاو کنی یک سوسیالیست دو آتشه مبینی صرف نظر از اینکه این انسان اعتقاد مذهبی داشته باشد یا نداشته باشد. اکثریت مردم رفاه میخوانند بنابراین بالقوه خود را با حزبی نزدیک میبینند که بتواند به خواست های رفاهی آنها پاسخ بدهد. آزادی میخوانند، برابری میخوانند، تبعیض نمیخوانند، امنیت میخوانند و اگر حزبی بتواند جا پای خود را در جامعه محکم کند، در مبارزات روزمره آنها حضور داشته باشد، در سطح جامعه مطرح و قابل انتخاب باشد، به آن حزب میپیوندند و در اهداف و برنامه هایش شریک میشوند صرف نظر از اینکه تا چه حد تحت تاثیر اعتقادات مذهبی باشند. روشن است که با نزدیکی به یک حزب کمونیستی مذهب هم سرعت در میان آنها تضعیف میشود. چون خود مذهب ابزار طبقه حاکم و مفتخور برای مرعوب کردن و به انقیاد کشیدن طبقه کارگر و حفظ نظام موجود است و برجه ای که مردم به این مساله پی میبرند از آن دور میشوند.

از صفحه ۴

(ETUC) [بیش از ۴۵ میلیون عضو]، کنگره سندیکایی بریتانیا [بیش از ۶ میلیون عضو] (TUC)، فدراسیون جهانی (ژورنالیستها) خبرنگاران مطبوعات (IFJ)، مرکز جهانی حقوق سندیکایی (ICTUR)، اتحادیه کارگران بخش عمومی و سیستم حمل و نقل بریتانیا (UNITE, The Union)، اتحادیه کارکنان

دولت بریتانیا (UNISON)، اتحادیه سراسری معلمان بریتانیا (NUT)، فدراسیون دبیران دبیرستانهای اونتاریو، کانادا (OSSTF)، اتحادیه استادهای دانشگاه و کالجهای بریتانیا (UCU)، مجمع ملی مدیران مدارس و معلمان زن بریتانیا (NASUWT)، اتحادیه سراسری کارگران راه آهن، کشتی رانی، و حمل و نقل بریتانیا (RMT)، اتحادیه آتش نشانان بریتانیا (FBU)،

کمیته دفاع از حقوق مردم ایران "کودیر" (CODIR)، - ۴ تشکل کارگری سوئد، سازمان سراسری کارگران سوئد-ال، سازمان مرکزی کارمندان سوئد، ت.س.او، اتحادیه سراسری معلمان سوئد، اتحادیه کارگران ترانسپورت سوئد طی بیانیه ای در ۲۹ آپریل خواستار آزادی کارگران معلمان و همه زندانیان سیاسی از زندان شدند. - جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر اونتاریو در کانادا نیز

در نامه ای خطاب به سازمان جهانی کار خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و آزادی جعفر عظیم زاده، اسماعیل عیدی و زندانیان سیاسی اعلام داشتند. اسامی آنها در زیر آمده است:

- در میز اطلاعاتی اول مه در کانادا، پتیشن کمپین برای آزادی کارگران زندانی به امضا گذاشته شد. و در پی تماس محمود احمدی از همکاران این کمپین در کانادا، رادیو پیام و چند چهره شناخته شده کارگری

و اکتیویست اجتماعی این پتیشن را امضا و حمایت خود را از جعفر عظیم زاده، اسماعیل عیدی و کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام داشتند. اسامی آنها در زیر آمده است:

Weisleder, Socialist Action, Joel Tiefenbach, Fight Back, Dave Conrilver, Socialist Project, Bruse Allen, Vice President Niagara Region Labour Council,

یادداشت‌های هفته

امید تقوایی

دوقطبی جامعه ایران

"یکی از توطئه‌های دشمنان که در رسانه‌های جمعی خود تبلیغ می‌کنند و متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی هم با توجه یا بی‌توجهی، دانسته یا ندانسته همان خط را دنبال می‌کنند، دوقطبی بودن کشور است. .. کشوری که که ولی امر و ولایت فقیه دارد و جایگاهی که ولایت فقیه در شرع و قانون اساسی ما دارد اگر قوا مشکلی داشته باشند او حلال مشکل است و خود قوا در کنار یکدیگر هستند." حسن روحانی

شان نزول این اظهارات انعکاس کشمکش‌های اخیر میان خامنه‌ای و روحانی و باندهای طرفدارشان بر سر مساله زبان انگلیسی و گشت نامحسوس و غیره در رسانه‌ها است. کلامدتهاست، بویژه بعد از انتخابات اخیر اختلاف میان جناحها و پاسخگویی به اظهارات یکدیگر از جانب روحانی و خامنه‌ای و دیگر مقامات بالا گرفته است اما با این وجود روحانی درست می‌گوید، دوقطبی‌ای بین حکومتی‌ها وجود ندارد. اگر رسانه‌ها و دولتهای غربی به دوقطبی در حکومت اشاره میکنند به این خاطرست که به امامزاده "خط اعتدال" در برابر "افراطیون" دخیل بسته‌اند. این امید پیهوده‌ای است. باید به آنان ضرب المثل فارسی "سگ زرد برادر شغال است" را یادآوری کرد. اگر جناحهای حکومتی بجان هم افتاده اند ریشه مساله جای دیگری است و دوقطبی و تقابل و تناقض را باید جای دیگری جستجو کرد. قطبندی واقعی میان جمهوری اسلامی و توده مردم است.

جمهوری اسلامی از همان آغاز یک وصله ناجور به تن جامعه ایران بوده است. درک و تلقی مردم از تمدن و اخلاقیات و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی، از شان و موقعیت زنان در جامعه، از

دستاوردهای علمی و هنری قرن بیست و یکم که غرب نماینده آنست، از سیستم قضائی و آموزشی، از محیط زیست، از حقوق حیوانات و خلاصه همه وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، درست در نقطه مقابل درک و تلقی جمهوری اسلامی و قوانین و اخلاقیات متعجر حاکم قرار دارد. دوقطبی واقعی بین نظام جمهوری اسلامی و اکثریت عظیم مردمی است که این نظام قرون وسطائی را هیچگاه نپذیرفته‌اند.

امروز این بجالش کشیدن وضع موجود در تمام سطوح، از جوکهای تویتری تا اعتراضات و مبارزات گسترده کارگران و معلمان تا بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های تعرضی زندانیان سیاسی بروشنی قابل مشاهده است. کشمکش میان بالائی‌ها در اثر و در عکس العمل به این تحرک وسیع اجتماعی صورت می‌گیرد. روحانی می‌گوید "رسانه‌های خارجی کارشان این است که یک کلمه از این و آن پیدا کنند اینها را روبروی هم قرار دهند و بگویند این یکی مقصودش این بوده و آن یکی مقصودش آن بوده است." اما آنچه جناحهای حکومتی را روبروی همدیگر قرار داده نه گزارشات رسانه‌ها بلکه اختلاف جناحها بر سر شیوه‌های متفاوت حفظ نظام در برابر مردم معترض و جامعه‌ای است که این حکومت را نمی‌خواهد و نمی‌پذیرد.

دولتها و رسانه‌های غربی تلاش میکنند تقابل آشکار جامعه و نظام جمهوری اسلامی را به اختلافات جناحی تنزل بدهند، چون نگران انقلاب هستند و به استحاله حکومت و "جناح معتدل" امید بسته‌اند. در قطب بندی سیاسی - اجتماعی جامعه ایران نظام جمهوری اسلامی با همه جناحهایش به‌همراه رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا و غیره در یکسو و توده نود و نه درصدی مردم ایران در طرف مقابل قرار دارند.

از بد حجابی تا بی‌دینی

آیات نباشد پس چیست تقاضا داریم از خانها که اگر انگیزه دینی ندارند لاقلاً احترام بگذارند به تدین." امام جمعه تهران

داستان بد حجابی و حساسیت حکومتی‌های به آن پایانی ندارد. از اسیدپاشی و قمه

"برخی از بدحجابی‌ها در شیب بی‌حجابی است. به عنوان یک طلبه معتقدم که خانها به عرصه‌ها وارد شوند ولی با رعایت حقوق شرعی. نمی‌توانیم در این عرصه بی‌تفاوت باشیم. ... بیش از ۱۰۰ آیه قرآن صریحاً درباره حجاب سخن می‌گوید؛ اگر بدحجابی دهن کجی به این

غلط است دیگر!

می‌خواهند زندگی کنند؛ خب این #غلط است دیگر. بنده نگرانم که ما بعد از انگلیسی بخوایم به کودکان خود فکر کردن هم یاد بدهیم #هیبت #غلط است دیگر.

متأسفانه دیده شده عده‌ای می‌خواهند زندگی کنند؛ خب این #غلط است دیگر. ملت ایران گاهی از زندگی

لسذت می‌سبزند. خب این #غلط است دیگر. قصه کوتاه کنم انسانیت #غلط است دیگر.

آیا روشن نیست که مضمون و معنای واقعی این "شوخی" ها

سکه یک پول کردن ولی فقیه است؟ در هر رژیم دیکتاتوری طنز و متلک و تمسخر ابزار رایج توده مردم برای حمله به دیکتاتور و تقدس زدائی از مقام والائی است که با القاب نظیر "علیحضرت" و "فقیه عظیم الشان" و غیره به دیکتاتور نسبت میدهند. امروز این حرکت توده مردم به یمن اینترنت و تویتر و رسانه‌های اجتماعی از محافل و جمعهای محدود و خصوصی افراد خارج شده و بطور گسترده

ای در جامعه و حتی در رادیو تلویزیونها و رسانه‌های جهانی بازتاب پیدا میکند. همه اعم از مردم و مقامات حکومتی، میدانند که این بجالش کشیدن جمهوری اسلامی و قوانین و اخلاقیات و مقدسات آن از طریق دست انداختن و به مسخره گرفتن رهبر آست. این تعرض توده‌ای علیه "اسوه نظام" را شوخی با رهبری نامیین #غلط است دیگر.

زن اسلامی است و اصرار حکومت به حفظ حجاب و گرایش زنان به بی‌حجابی دقیقاً در همین واقعیت ریشه دارد. در جمهوری اسلامی حجاب صرفاً یک پوشش مذهبی نیست بلکه یک رکن حکومتی است که تعرض به حقوق زنان و جداسازی جنسیتی یک رکن مهم موجودیت اوست. جناب امام جمعه آیه‌های قرآن را به رخ میکشد و از زنانی که انگیزه دینی ندارند تقاضا

"تلویزیون تا دیروقت برنامه پخش می‌کند... وقتی شما دیر خوابیدی، بیماری سحر پیشکش، نماز صبح هم خواب می‌مانی... بنده دیدم در بعضی شهرها که وقت بیداری‌شان نه صبح است. تازه نه - نه و نیم صبح شروع به باز کردن مغازه‌ها می‌کنند. این غلط است دیگر." خامنه‌ای

این گفته خامنه‌ای باعث سرازیر شدن موج گسترده‌ای از جوکها و متلکها و کامنت‌های طنز آمیز در تویتر و تلگرام و دیگر رسانه‌های اینترنتی شده است. در چند روز گذشته #غلط است دیگر یکی از داغترین و فعال‌ترین هشتمی‌های کاربران تویتر بوده است. بی‌بی‌سی فارسی در گزارشی این موج وسیع را "شوخی با رهبری" مینامد. اما چند نمونه از این کامنتهای تویتری نشان میدهد علت و مضمون واقعی این "شوخی" چیست:

"بخشید که مملکت این همه مشکل داره اما شما رهبرش بودی نه من #غلط است دیگر. بنده از این کلمه اعتصاب هم خیلی بدم می‌آید، وقتی اعتصاب غذا می‌کنند ما را در دردر می‌اندازند، خب این #غلط است دیگر.

تصور می‌کنند می‌توانند و باید در مورد همه امور، نظر خود را به جامعه تحمیل نمایند، در #غلط است دیگر.

قدقد مقدس #غلط است دیگر. متأسفانه دیده شده عده‌ای

می‌کند که "لااقل احترام بگذارند به تدین." این تقاضا از یکسو درماندگی حکومت در مقابله با تعرض زنان آزاده را نشان میدهد و از سوی دیگر این واقعیت را که شیب جامعه نه تنها به سمت بی‌حجابی بلکه به سمت بی‌دینی روز به روز تند تر میشود. زنانی که نمی‌خواهند در قرن بیست و یکم مطابق احکام عتیقه اسلامی زندگی کنند حجاب و به همراه آن زنجیرهای اسارت اسلامی را به دور می‌اندازند.

جناب امام جمعه آیه‌های قرآن را به رخ میکشد و از زنانی که انگیزه دینی ندارند تقاضا

چرخانی علیه زنان بدحجاب تا گشتهای نامحسوس داستان تلاشهای ناموفق حکومت برای تحمیل حجاب به جامعه است اما علی‌رغم همه بگیر و بندهایشان جامعه مدام به سمت بی‌حجابی شیب بیشتری پیدا کرده است. حجاب سمبل اسلام و آپارتاید جنسی و اخلاقیات ضد

دو اتفاق مهم و بیسابقه

شهلا دانشفر



شکل دادن به فضای سیاسی و حرکت اجتماعی حول مساله حکومت و قدرت سیاسی

مصوب پلنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

بنا بر خبر روز ۱۹ اردیبهشت این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه دستمزد، در محل کارشان دست به تجمع زدند. و در حالیکه پیگیر خواستهایشان شدند، حمایت خود را از رهبران کارگری زندانی از جمله جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی ابراز داشته و از خواسته آنها مبنی بر حذف اتهامات "امنیتی" از مبارزات حق طلبانه معیشتی فعالین کارگری و معلمان پشتیبانی کرده و خواستار آزادی آنها و سایر کارگران زندانی شدند.

جلب حمایت مردم شهرها از اعتراضات خود و شرکت فعال خانواده های کارگری، اتفاقی که در آلمونیوم المهدی شاهدش بودیم، و حمایت کارگران رستوران خلیج فارس از خواست های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی دو الگوی مهم و اجتماعی برای گسترش دامنه اعتراضات کارگری و تقویت این مبارزات است. زمینه های اجتماعی دست بردن به چنین اشکالی از اعتراض و مبارزه کاملا فراهم است و این مسیری است که جنبش اعتراضی کارگری میتواند در جلوی صف اعتراض کارگران، خواستهای کل جامعه را نمایندگی کند. این اتفاق نوید دهنده پیروزی های بزرگ در جنبش اعتراض کارگران و مردم است.

در این هفته مراکز چون ریخته گری ماشین سازی تبریز، کارخانه چوب و کاغذ اسالم، خدمات شهری محلووه منطقه آزاد، مخابرات جیرفت و عنبرآباد، تجمع چندباره آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی، سینماگران در اعتراض به بیکاری، بی مسکنی بی بیمه ای و درآمد زیرخط فقر، فراخوان کارگران پست های فشار قوی برق برای تجمع مقابل سازمان

یک اتفاق مهم در هفته ای که گذشت، فراخوان کارگران شرکت آلمینیوم المهدی واقع در بندرعباس، به مردم شهر به پیوستن به تجمع اعتراضی آنان بود. بنا بر خبر ها روز ۱۵ اردیبهشت حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت آلمینیوم المهدی هرمزآل، بنبنال یک هفته اعتراض در اقدامی مهم و بیسابقه همراه با اعضای خانواده های خود و جمع کثیری از مردم شهر در مقابل استانداری شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض این کارگران به اخراج ۶۲۰ همکار خود، حذف حقوق شرایط سخت و زیان آور محیط کار، افزایش ساعات کاری، عدم وجود امنیت شغلی، عدم پرداخت به موقع حقوق، عدم پرداخت حق بیمه تکمیلی و عدم قبیل بهره وری و عیدانه بود. در این حرکت اعتراضی کارگران طی فراخوانی از مردم شهر خواسته بودند که در تجمع بزرگ اعتراضی آنان در مقابل استانداری شرکت کنند و در پاسخ به این فراخوان جمع کثیری از جوانان و مردم و اعضای خانواده های کارگران به تجمع آنان پیوستند. این اتفاق ویژه و منحصر به فرد بود. این حرکت اعتراضی جلوه ای از سرآغاز فصل جدیدی در جنبش کارگری است و یک الگو است. هم اکنون بسیاری از مراکز کارگری کانون های داغ اعتراض در شهرهای مختلف هستند. و این درحالیست که اعتراض علیه فقر، گرانی و بی تأمین، اعتراضی وسیع و اجتماعی است.

اتفاق مهم دیگر تجمع و حمایت کارگران رستوران خلیج فارس واقع در جاده قشم میگون از خواست های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی دو تن از رهبران کارگری در زندان است.

با توجه به اینکه:

۱- تداوم و تشدید بیکاری و گرانی و بی تأمینی اقتصادی و شرایط سخت معیشتی توده مردم عوامریبی های دولت و نیروهای طرفدار استحال در مورد بهبود تدریجی اوضاع بعد از رفع تحریمها را بیش از پیش افشا و بی اعتبار کرده است.

۲- بحران و بن بست سیاسی - اقتصادی مزمنی که گریبانگیر حکومت است و کشمکش شدید و بیسابقه میان جناحهای حکومتی بر سر استراتژی بقا، شرایط و توازن قوای مساعدی برای بجالش کشیدن کل نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورده است.

۳- علیرغم تبلیغات جناح روحانی و طرفداران خط اعتدال و اصلاحات در حکومت و خارج حکومت، گرایش و خواست سرنگونی و خلاصی از جمهوری اسلامی یک خواست و گرایش گسترده در جامعه و در میان بخشهای مختلف مردم است.

۴- مبارزات و اعتراضات وسیع در جنبش کارگری، مبارزات معلمان، اعتراضات زندانیان سیاسی، تعرض زنان و جوانان علیه حجاب و آپارتاید جنسی، گسترش جنبش علیه اعدام و کلا بجالش کشیده شدن قوانین و مقدسات و تابوهای حکومت بوسیله بخشهای مختلف مردم همه بیانگر تشدید و گسترش تعرض جامعه برای تغییر بنیادی وضع موجود است.

پلنوم بر ضرورت و مبرمیت

شکل دان به گفتنمان و فضای سیاسی و یک جنبش و حرکت اجتماعی حول مساله حکومت و قدرت سیاسی بر مبنای محوره های زیر تاکید میکند:

۱- شکلدهی به فضا و گفتنمان در رسانه های متعارف و مدیای اجتماعی حول مساله دولت و خصوصیات حکومتی که مردم میخواهند. تمرکز بر موضوعات مشخصی که به مساله حکومت و نظام سیاسی مربوط میشود و در عین حال در فضای داخل کشور کاملاً قابل طرح است نظیر:

- سلطه یک درصدیها و فاصله عمیق بین فقر و ثروت در ایران
- دولت مافوق مردم و طرح ضرورت و مطلوبیت و امکان دخالت مستقیم مردم در سیاست و حاکمیت

- قانون اساسی جمهوری اسلامی و ضرورت یک قانون اساسی سکولار و مبتنی بر حقوق مدنی برابر برای همه مردم.
- آزادی زندانیان سیاسی و لغو جرم سیاسی و اتهام اقدام علیه امنیت ملی

- قصاص و سیستم قضائی جمهوری اسلامی
- حقوق شهروندی مستقل از مذهب افراد. بی خدایان و افراد منسوب به مذاهب مختلف (سنی و شیعه و بهائی و یهودی و درویش و غیره) همه باید در همه زمینه ها حقوق برابر داشته باشند. دفاع از جدائی مذهب از دولت و قوانین و سیستم آموزشی و

راهبرتمتروی تهران، کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، تجمع کارگران چاه های نفت تنگ بیجار و کمانکوه، از جمله کانون های داغ اعتراضات کارگری بودند که اخبارش به سرتیتر

قضائی. لغو مذهب رسمی.
- آپارتاید جنسی، بیحقوقی مفرط زن و زن ستیزی حاکم
- سیستم اقتصادی مبتنی بر سود و سودپرستی و طرح سیستم اقتصادی مبتنی بر تأمین نیازمندیها و رفاه همه شهروندان

۲ - شکلدهی و سازماندهی حرکت های میدانی حول هر یک از موضوعات فوق در داخل کشور با اتکا به مدیای اجتماعی، کانال جدید و دیگر مکانیسمهای ارتباطی با فعالین داخل

۳- فعالیت آکسیونی و کمپینی و لابی ایستی در جهت انزوی سیاسی جمهوری اسلامی در سطح جهانی. نمایندگی کردن جنبش سرنگونی و نمایندگی حکومتی که مردم ایران خواهان آن هستند در خارج کشور

۴- نقد و برخورد فعال به نیروهای اپوزیسیون راست بر سر مساله دولت و چشم اندازشان از نظام آتی. نقد پیگیری نیروهای اپوزیسیون استحال چی.

۵- تقویت و تثبیت موقعیت کانال جدید و چهره های حزبی و خود حزب بعنوان سخنگویان و نمایندگان و پیشروان و رهبران جنبش سرنگونی طلبانه در جامعه

پلنوم از رهبری حزب میخواهد که نقشه عملهای لازم برای پیشبرد وظایف فوق را تدوین کرده و در دستور کار حزب قرار بدهد.

خبرهای رسانه های دولتی تبدیل شد. اینها همه اعتراضاتی است که زمینه جلب بیشتری حمایت اجتماعی را دارد.

مدیریت و برنامه ریزی، کارخانه آرتا تجارت زرین (سبلان پارچه) مقابل استانداری اردبیل، تجمع کارگران ساختمانی شرکت عمران پرند، فضای سبزمنطقه دوشهرداری اهواز، کارگران

Free Them Now!

**اسماعیل عبدی به مکان نامعلومی منتقل شد
ضرب و شتم و بازداشت مجدد رسول بداتی
انتقال بهنام ابراهیم زاده به بند دارالقران زندان رجایی شهر**



ابراهیم زاده، از چهره های شناخته شده کارگری پس از تنش در بند ۱۰ زندان رجایی شهر بصورت تنبیهی به بند ۲ دارالقران این زندان تبعید شد. بهنام ابراهیم زاده از بیست و دوم خردادماه ۸۹ در زندان بسر میبرد. او علیرغم سپری کردن دوران محکومیتش در دهم مرداد سال گذشته، به ۷ سال و ۱۰ ماه و ۱۵ روز حبس و چهارصدو پنجاه هزار تومان جریمه محکوم شد. اتهام او "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی" و فعالیت تبلیغی علیه نظام درج شده است. بهنام از دیسک کمر و آرتروز گردن رنج می برد و با وجود پیگیری، تا کنون موفق به درمان بیماری در زندان نشده است. پسرش نیما به سرطان مبتلاست و خانواده اش گفته اند که به دلیل بیماری نیما، سختی رفت و آمد و محدودیت های مالی امکان ملاقات هفتگی با او را ندارند.

جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، رسول بداتی، تمامی کارگران زندانی، معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۲ اردیبهشت ۹۵، ۱۱ مه ۲۰۱۶
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

تشکلها و سازمانهای مدافع حقوق کلیه مزدبگیران در ایران و سراسر دنیا همچنانکه تا امروز از مطالبات این دو رهبر زندانی دفاع کرده و خواهان آزادیشان بوده اند، با مبارزه جدی تر و وسیعتر به این اقدام ضد انسانی اعتراض کرده و خواهان آزادی هرچه سریعتر جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و همه زندانیانی که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی زندانی شده اند، باشید."

ضرب و شتم و بازداشت مجدد رسول بداتی

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سایت حقوق معلم و کارگر، روز ۱۹ اردیبهشت رسول بداتی هنگام ملاقات با محمود بهشتی لنگرودی که بدینال اعتصاب غذاش در بیمارستان امام خمینی بستری شده است، مورد حمله ۷ نفر از مأموران انتظامی قرار گرفته و بعد هم به همراه برادر همسرش به مکان نامعلومی منتقل شده است. این مأموران امنیتی چنان رسول بداتی را مورد ضرب و شتم قرار دادند که به گفتهی شاهدان عینی شکستگی فک و بینی ایشان بسیار محتمل می باشد.

گفتنیست که رسول بداتی در ۹ اردیبهشت پس از هفت سال زندان که حتی یک روز مرخصی هم به او داده نشده بود از زندان اوین آزاد شده بود.

انتقال بهنام ابراهیم زاده به بند دارالقران زندان رجایی شهر
روز ۲۰ اردیبهشت بهنام

اسماعیل عبدی به مکان نامعلومی انتقال داده شد

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران بعد از ظهر روز ۱۹ اردیبهشت اسماعیل عبدی از رهبران جنبش اعتراضی معلمان از بند ۸ زندان اوین به مکان نامعلومی منتقل شده است. در بخشی از اطلاعیه خبری اتحادیه آزاد چنین آمده است:

"جدا کردن این دو زندانی بعد از ۱۰ روز اعتصاب، که بیانیه و اقدامشان در سطح وسیعی از جانب معلمان، کارگران، مزدبگیران و تشکلها و سازمانهای داخلی و بین المللی مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت و عملاً جنبشی اجتماعی را حول خود سازمان داد، اقدامی در جهت خلاف خواست توده ای است که باهدف تحت فشار گذاشتن و فاصله انداختن میان زندانیان مذکور و به تبع آن ایجاد شکاف بین دو بخش مهم جنبش کارگری یعنی کارگران و معلمان انجام گرفته، که امروز با اتحاد خود توازن قوای جدید و سنگین تری به نفع خودشان برپزه در مبارزه برای آزادی رهبران زندانی شکل داده اند. جدا نمودن این رهبران زندانی به هر دلیلی محکوم و اقدامی ضد انسانی علیه انسانهایی است که در شرایط غیر قابل تحمل زندان صدای اعتراضشان را به مصائب جاری به صورت اعتصاب غذا بلند کرده اند.

کارگران، معلمان، توده های مزدبگیر، انسانیهای شریف،

قرار مصوب پنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

درمورد فعالیت ویژه حزب درمورد افغانستان

افغانستان تعداد قابل توجهی از آنها بیننده کانال جدید هستند و هزاران نفر از آنها از طریق میدای اجتماعی حزب ادبیات حزب را دنبال میکنند و روابط و نزدیکی نسبتاً زیادی با حزب دارند،

پنوم ۴۵ کمیته مرکزی حزب بر ضرورت فعالیت متمرکز در مورد افغانستان و اختصاص نیرو و ارگان ویژه ای به این منظور تاکید میکند. حزب باید بیش از پیش و به نحوی پیگیر و نقشه مند:

حقوق شهروندی کامل برای افغانستانیهای مقیم ایران را منظمًا تبلیغ کند و مورد پافشاری قرار دهد،

از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران افغانستانی با کل طبقه کارگر در ایران دفاع کند، گرایش ناسیونالیسم ایرانی و ضد افغان را مورد تعرض قرار دهد،

سیاست ارتجاعی و ضد انسانی حکومت نسبت به مهاجرین و پناهندگان افغانستانی را وسیعاً افشا کند،

رابطه حزب با افغانستانی های مقیم خارج را هر چه بیشتر گسترش بدهد و تقویت کند،

صدای جنبش پیشرو و سکولار در افغانستان را در ایران و در سطح جهان بازتاب دهد، و به تقویت جنبش چپ، سکولار و کارگری در میان افغانستانیها کمک کند.

- با توجه به اینکه:

۱- چند میلیون مهاجر افغانستانی در ایران از هر نوع حقوق شهروندی محروم میباشند و مورد تعرض مداوم حکومت اسلامی و نهادها و باندهایش قرار دارند،

۲- اکثریت مهاجرین افغانستانی جزو بیحقوق ترین بخش طبقه کارگر در ایران هستند که ناگزیرند با کمترین دستمزدها به پرمشقت ترین کارها تن دهند و وجود این محرومیت ها و فضای ضد افغانستانی که جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی رواج داده اند، به شکاف در صفوف کارگران دامن میزند،

۳- دولت و قوانین ارتجاعی و ضد انسانی مذهبی و باندهای تروریست اسلامی بر زندگی مردم افغانستان حاکمند،

۴- یک جنبش اعتراضی گسترده مدرن و سکولار در افغانستان به جریان افتاده است که اعتراض مردم به فقر و بیحقوقی و تبعیض و فساد و نا امنی و جنگ و جنایات ارتجاع اسلامی را بازتاب میدهد،

۵- حزب کمونیست کارگری در میان بخشهایی از مردم افغانستان، اعم از مهاجرین افغانستانی در ایران، ساکنین افغانستان و همچنین افغانستانی های مقیم خارج شناخته شده است. بدلیل زبان فارسی مردم

